

درک مجازک

از هنر تا تکنولوژیک

مجموعه مقالات علمی-پژوهشی در باب هنر و فناوری

ویرایش و گردآوری: زواکیم براگا

مترجم و ویراستار فارسی: زید علی اصغر تقوی



انتشارات فرهنگ



عنوان و نام پدیدآور:	دوک مجازی از هنر تا تکنولوژی: مجموعه مقالات درباری پیشرفت‌های علوم انسانی و هنر ویرایش و گردآوری ژواکیم براگا؛ مترجم و ویراستار فارسی سیدعلی اصغر تقوی.
مشخصات نشر:	تهران: فرا هنر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	۴۴۰ ص.
شابک:	978-622-962457-9
وضعیت فهرست نویسی:	فبا
یادداشت:	عنوان اصلی: Conceiving virtuality: from art to technology, 2019.
عنوان دیگر:	مجموعه مقالات درباری پیشرفت‌های علوم انسانی و هنر.
موضوع:	واقعیت مجازی
موضوع:	Virtual reality
موضوع:	واقعیت
موضوع:	Reality
شماره افزود:	براکا، ژواکیم، ۱۹۲۵-م. ویراستار
شماره افزود:	-Braga, Joaquim, 1925
شماره افزود:	تقوی، سیدعلی اصغر، ۱۳۵۶-م. مترجم، ویراستار
رده بندی کتب:	۳۱۸BD
رده بندی دیسیپلین:	۱۱۱
کتابشناسی:	۶۱۳۶۱۹

دوک مجازی از هنر تا تکنولوژی

(مجموعه مقالات درباری پیشرفت‌های علوم انسانی و هنر)

عنوان انگلیسی: Conceiving Virtuality: From Art To Technology

گردآوری و ویرایش: ژواکیم براگا (1925) Joaquim Braga

مترجم: سید علی اصغر تقوی

ناشر: فراهنر

طراح جلد و صفحه‌آرا: مسعود سلیمانی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۲۴۵-۷-۹

قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

آدرس: تهران خیابان انقلاب، خیابان خازک، پلاک ۲۲ واحد ۱

تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۴۱۸۸۱

www.Farahonar.net



دیباچه

برگرفته از مجموعه سخنرانی‌های سید علی اصغر تقوی در جلسات
دانش‌افزایی و ارتقاء اعضاء هیئت علمی دانشگاه‌ها.

مپندار به شایسته‌ای با اغلب، بیان حقیقت نباشند، گاه این گونه بنظر می‌رسد که در ساخت مجاز، مجاز برای فاش کردن حقایق بزرگ بیشتر است. بنظر می‌رسد شایسته‌ای مجاز برای حقیقت آن قدر تنگ است که رویکردها به آن تا حد زیادی منحصر می‌شود، این گونه است که رویکردها به مجاز بیشتر شده و عرصه بر آن فرا تر می‌شود. گستردگی مجاز تا حدی است که می‌توان تا اعماق آن نفوذ کرد ولی هرگز می‌توان به ژرفای آن رسید. انسان برای کشف اعماق مجاز همواره به پیش می‌نزد بی‌آنکه محابای وجود و عدم داشته باشد، در دریای مجاز، حنای که شش وجودی و عدمی رنگ باخته و همه چیز رنگ دیگری دارد، رنگی شبیه رنگ آسمان، شما، رنگی در عین بی‌رنگی، رنگی به رنگ مجاز.

لا بد در این مطلب، سؤالات بسیاری برای افراد خواهد بود اما باید به ای درک معانی تازه‌تر، از طرح معانی الفاظ ناگزیر نباشم، تا در کشاکش مفاهیم و معانی خلقی تازه دریابیم، ای بسا ذهن مخاطب در این بیان مختصر؛ حقیقت و مجاز را حقیقت و مجاز شرعیه بیابد یا لفظیه، لیکن بدون تصرف در معانی این الفاظ و صرف نظر از تحمل الفاظ به قدر معانی ندانسته، در

دیباچه

وادی کلام در کشف مفاهیم نوظهور بهره برمی داریم. گرچه حقیقت و مجاز در نظرها متفرد و متفرق جلوه می کند لیکن مقصود نگارنده مقبوض و معین است، اما این قبض در معنی و آن بسط در مفهوم است؛ معنی در این مقال آن است که مقصود نگارنده را برملا کند و مفهوم تمنای خواننده است که بر عهده عموم مقتدر است.

برخی در رویارویی با این گفتار، پرسیده اند که کدام مجاز؟ من نیز در این حال می پرسم کدام حقیقت؟ گویی که حقیقت برای شما آشکار است، آیا حقیقت برای شما آن چنان است که مجاز نیست؟ تردید دارم که خدادهای حقیقی در عالم قدری بیشتر از آثار مجاز گسترده باشد. می خواهی به جایی برای پرسش نیست، چندان که جایی برای سکوت نیز نیست. همه به جایی برای تفکر هست. اینجاست که رشد و توسعه و هر آنچه از مدهیم بر آن سستتر است، تنها یک بعد پیدا می کند و آن تفکر و تأمل است. این را گذر از همنوئیک باید تنها به یک جهت از جهات مختلفه در توسعه مفاهیم، فدام نمود، ای بسا تفسیر و تأویل راهی به سوی تعطیل بپیماید، بشر امروز جهان عاری از تفاسیر می طلبد که تنها یک رویکرد حقیقی و آئی داشته باشد. کشش بر ای یافتن آنچه نمایان است، مدت هاست که از یادرفته است، اما عبیر و نفاس آن چنان ثقیل و دیرهضم بود که سال ها طول کشید تا دریابیم هر جای خرد به تماشای خود ایستاده ایم، حال آنکه جایی که ایستاده ایم منظر و مرآی برای تماشای عالم است.

بهتر آن است تا جمله تأویل ها تعطیل شده و جهان حقیقت رخ بنماید، اگر حقیقت را سه گونه برداشت کنیم می توانیم بگوییم حقیقت اعم است از آن چیزی که هست، آنچه باید باشد و آنچه می تواند باشد. این جمله

دیباچه

باهم فاصله بسیار دارند و دسترسی به همه ایشان ای بسا سخت و دشوار می‌نماید، اما مهم‌تر این است که این‌همه در نزد تو پیدا می‌شود.

این‌گونه محتمل است که جمله حقایق نزد خودمان بوده، هیچ حقیقتی پنهان نباشد و اگر پنهان، نیز در خود ما نهفته است، اما آنچه از حقیقت در این عالم برای ما آشکار می‌شود قدر معرفت ماست، هر کس به اندازه شناخت و معرفتش به عالم از حقایق آن بهره می‌برد. نه اینکه حقیقتی در عالمی دیگر پنهان باشد، اگر نیز حقیقتی در عالمی دیگر ظهور یابد آن حقیقت هرگز به بشر این همین عالم انتقال یافته است، لیکن معرفت به آن در جای دیگری حاصل شده است. یعنی حقایق همراه با ما از جهانی به جهانی دیگر منتقل می‌شود این جابجایی حقایق در سهم و قدر ایشان اثر نخواهد گذاشت اما قدر و سهم ما در عبور از این عوالم متغیر است.

در رد هرمنوتیک باید بگوییم تفاسیر هرچقدر متعدد باشد باز تابع یک کلی واحد است، یعنی در عالم هر چیز حقیقتی دارد که تأویل ناپذیر است، هر تأویل و تفسیر تازه، می‌تواند به اندازه و قدری، فرد را از آن حقیقت دور کند لیکن قدرها متفاوت است اما حقیقت متغیر نیست. مقدر است، جمله قدرها و تعیینات در این مقال مجاز خواهند بود. از این رو هیچ تفسیری گویای حقیقت اشیاء و افراد نیست، و هیچ تفسیر و تأییلی، راسته فهم طالب کمال نخواهد بود. لذا تفاسیر جز در اثبات خود نمی‌کند و در اثبات حقیقت اشیاء و افراد عاجزند. بهتر است هر چه زودتر شمار به جهانی عاری از تفسیر و تأویل دعوت کنم تا در پناه حقیقت در سایه خرد جوانان گل‌های بی‌منت خاک و باران با امید به زندگی ادامه دهید.

بنابراین، در پاسخ به: کدام حقیقت و کدام مجاز؟ تنها به رویکرد خواننده مطلب به تناسب مفهوم ایجاد می‌پسند کرده از توجه به سایر

دیباچه

جهات تفهیم پرهیز می‌کنم. در ادامه مطلب باید بگویم که عالم مظهر حقایق است تا بروز و ظهور کنند، لیکن عالم وجوهی دارد که هر حقیقت به‌قدر بروز باید اکتساب کند. از این‌رو عالم مجال حقیقت است به‌قدر رویکردهایی که به حقیقت می‌شود.

برای حقیقت و مجاز هیچ تضاد و خلاقی نمی‌توان در نظر داشت، آن‌چنان‌که هر مجازی می‌تواند آستن یک حقیقت باشد، این دو در بطن هم غواص‌اند و جمله عالم در حکمت آن حیران‌اند. البته گاهی ممکن است این سوء تفاهد به نظر برسد که حقایق چون گوهرهای گران در دریای مجاز شناورند، ولی واقعیت این است که گاه حقیقت، هر مجازی را در برمی‌گیرد و در خود محو می‌کند، آن‌چنان‌که برخی حقایق در زمان بروز و ظهور خود طوفانی‌اند چونان تردبادی در هوا جمله مجاز را با خود به قهقرا می‌برند. اما مضاف بر این‌ها باید گفت؛ فراخنای مجاز بی‌امان دربرگیرنده هر حقیقتی است که مابقی برای ظهور نیافته باشد و از این حیث مجاز به‌مثابه یک کلی است.

اندیشیدن بر سر این جزئی و کلی امری بسموده و عبث است، لیکن به جهان حقیقت و مجاز برمی‌گردیم تا به شایات تازه‌تری از این دوجهان متفاوت و متقارن روبرو شویم؛ آنچه در این فرصت محدود می‌توان از آن صحبت کرد، همین مجالی است که برای گفتش یافتیم. رده‌های حقیقی به دلیل برخورداری از محدودیت‌های مکانی و زمانی و یا ترانسیز این‌دست، حقایق بزرگ را در خود نگنجانیده و مجال نمی‌دهند. از این جهت؛ مجاز مجالی است مناسب برای طرح حقایقی که چارچوب‌ها را بر نمی‌تابند.

کم نیستند حقایق عظیمی که در ساحت مجاز فرصت ظهور یافتند، هرچند برخی حقایق در هنگام بروز بیشتر از یک بمب اتم عالم را تکان

دیباچه

خواهند داد، اما گاهی همین حقایق درعالم مجاز فرصتی برای خنثی شدن دارند، شاید بهتر است بگوییم؛ سختی برخی حقایق درگذر از عالم مجاز، جایش را به نرمی و لطافت می‌دهد. البته؛ گاهی حقایق نیز برای ظهور و بروز هیچ‌گونه شانس‌ی را در عالم واقع نخواهند داشت و چه‌بسا با عبور از یک جریان مجاز، به‌راحتی، بستری برای ارائه خواهند داشت.

مجاز تنها مقام مجیزگویی نیست؛ فرصتی است برای حقیقت‌های پنهان طلوع کنند. بی‌تردید هر کس برای خود حقایقی را می‌شناسد که در میان لایه‌های مختلف دین تاریخ، زمان و یا مکانی را برای طلوع و مجالی را برای ظهور نیافت ند، قارمسلمه نیز می‌دانیم امن‌ترین جایگاه حقایق؛ یادسپار فرد است، چندان‌که فراموش نمی‌باشند، اما؛ آن حقیقتی کامل‌تر است و یا به کمال نزدیک‌تر است. اساس یادسپار را نطلبیده و هر آن؛ دغدغه بروز و ظهور داشته باشد. اینجاست مجاز، نه مجاز را برای تجلی حقایق پنهان فرامی‌خواند. این مجال مجاز؛ قدر و زرف مجاز را، برای گنجایش حقایق عظیم‌تر، افزوده و برای طلوع حقیقت پنهان زیباتر ساخته است.

تلاش برای ازبین بردن فرصت‌های حقیقی، اصله اصلی انصراف بشر به‌سوی فرصت‌های مجازی است. حقیقت و مجاز هر داده جالی را برای ظهور خواهند داشت، تأخیر و تردید در هرکدام مجال را دیگری وامیگذارد. اگر می‌بینیم گاهی حقایق فرصت کمتری برای ظهور دارند و عرصه برای تاخت مجاز مهیاتر است، باید بگوییم ما در واگذاری به حقایق وسواس و تردید به‌خرج داده‌ایم، چراکه در مقام عرضه حقیقت، نه در مقام پذیرش و یا کشف حقیقت) وسواس و تردید فرصت‌سوزی می‌کنند، چندان‌که در این مقام، مجاز؛ مجال و فرصت تجدیدحیات خواهد یافت.

دیباچه

تحقیق حقایق در مجال مجاز کاری بس دشوار است زیرا در ساحت مجاز جمله مجیزها لباس حقیقت پوشیده‌اند. در دنیایی که جمله اجزاء آن حکایت از مجاز می‌کند و کلیه عوامل و عناصر آن در هیأت مجازند، هیچ چیز از کُنه و ذات حقیقی که لازم است برخوردار نیست، بر این اساس هیچ باور حقیقی در این عالم (عالم مجاز) قابل شکل‌گیری و انسجام نیست، هرچند جمله اشیاء و اجزاء حقیقی به‌نظر می‌رسند اما به همان اندازه از حقیقت خود به دور هستند، جمله اشیاء در این عالم با حقیقت نبرد در یک تناسب ظاهری بسر می‌برند که می‌توان گفت این تنها رابطه یا بستگی است که جمله این عالم با باور حقیقی خود دارند. تنها راه برای پیوستن به حقیقت اشیاء در این عالم، برآمدن از این عالم است، این تنها به معنای پشت‌رگذاشتن این عالم نیست بلکه چونان ماهی که از اقیانوس برآمده تا پهنای عم حضور را مشاهده کند، باید در فراق حقیقت ذاتی خود، بال بال رها نماید تا وصول به جهان حقایق، بی‌آرآمد.

تهدید مجاز، تنها فرصت‌های حقیقی را می‌سوزاند. برای ایجاد فرصت‌های حقیقی باید از شرایط فاصله گرفت و می‌رفت شد، شرایط آن است که ره را بسته و رهرو را کور می‌کند، بهتر است به ریسمان ایست مولود افکار معیوب و مخدوش است، زیرا عقل سلیم راه را تنها، آن‌گونه که هست نمی‌نماید، بلکه آنطور می‌نماید که به مقصد برساند. لیکن برای عقل راه نیست بلکه راه‌هاست و البته در رصدخانه عقل نیز نقشه راه‌ها موجود است. آنکه را نقشه راه است، از شرایط چه باک است؟ هرچند شرایط برای ادامه حیات جمله موجودات عالم، ممکن است لازم باشد، اما آنچه در اینجا بیشتر از هر چیزی لازم است که مهیا شود همین فرصت است، باید اجازه بدهیم فرصت‌های حقیقی خود به‌خود ایجاد شوند، در این صورت است که رویکردها به حقیقت

دیباچه

بیشتر از قبل خواهد شد، این رویکردها به حقیقت بیشتر از هر چیزی برای الزام به حقیقت و بروز و ظهور آن کارسازتر است، زیرا حقیقت؛ همیشه و همه جا باید به خودی خود روی کند، نباید این گونه بیانیدیشیم که زوال مجاز به هر بهانه‌ای موجبات رشد و کمال فرصت‌های حقیقی را فراهم می‌کند، بی‌تردید این طرز فکر هیچ گزارشی از حقیقت به ما نمی‌دهد.

از این رو بی‌توان گفت؛ مجاز آن محیطی است که برای رشد و کمال مرگ، خبری از مجاز تا حقیقت مناسب است. شاید بتوان این گونه نیز گفت که هر آینه مجاز خود مجالی است برای حقیقت تا به گونه‌ای دیگر در عالم روی نماند، پس بیهوده نیست اگر تلاش کنیم حقیقت درعالم صاحب همه رویکردها باشد.

اقبال به مجاز از نظر یأس از حقیقت است، فرق است بین آنکه در این عالم به آن اقبال باشد با آنکه به طور طبیعی به آن رویکرد باشد، اقبال به آن چیزی است که در برابرش انکار و اعراض از چیز دیگری باشد، حال آنکه رویکرد بطور طبیعی شکل گرفته و در آن سخنی از تقابل یا رویکرد مخالف یا متقابل نیست. از این رو؛ اقبال به مجاز در عالم از داشتن رویکرد به آن متفاوت است، افتادن در دامن مجاز مدح و ستایش و پنداری از حقیقت است. مادامیکه حقایق در عالم به سختی روی کنند، مجاز برای سفر به مجاز مهیاست این بار؛ مجاز به خودی خود روی نمی‌کند بلکه در یک جریان مخالف برای بروز مشتعل می‌شود. این جریان مادامی اتفاق خواهد افتاد که حقایق برای ظهور از کمتر جناحی مطالبه شوند، میل به رویکردهای حقیقی از جهاتی قابل افزایش است که تنها جنبه عامیانه نداشته و به طور خاص نیز از جمله مطالبات جامعه باشد.

گویی حقیقت برای ظهور دچار گونه‌ای از کم کاری است، درحالی که هیچ

دیباچه

اثری از انفعال در ظاهر مجاز به نظر نمی‌رسد. اما بهتر است بگوییم یأس از حقیقت دارای وجوه و معانی عمیق‌تری در جامعه نیز می‌تواند باشد؛ چندان که می‌توان گفت کارکردهای حقیقت در عالم به‌طور کلی محدود می‌شود و جایگاه لرزان حقیقت از شأن و منزلت آن فروکاسته و بی‌پروا می‌توان گفت؛ گاهی نقش حقایق در عالم وارونه جلوه می‌کند. این همان جریان انحرافی در بروز حقایق در عالم است که رویکردها را به سمت و سوی مجاز می‌کشاند. این جریان انحرافی امروزه فراتر از یک جریان رسمی جا به جا شده که گاه به‌عنوان جریان غالب جامعه عرصه را بر حقایق کوچک و بزرگ تنگ نموده و جمله مجال را به مجاز وامی‌گذارد.

حقیقتی که در آن اثری از امید نباشد، از هیچ مجازی بهتر نیست. اگرچه امپراتوری جمله آثار و کارکردهای مستقیم گرایش به حقیقت است، اما در دنیای مجاز سهم بسیار ناچیزی برخوردار بوده و چه بسا مغفول مانده و یا به حساب نیفتد، را که چرخش بر مدار مجاز چندان که سفر به ابعاد و اعماق را برای شما سهل می‌کند از عالم دیگر به شما هیچ خبری نخواهد داد، کشف لایه‌های پدید و زوایای پنهان در عالم مجاز برای بشر امروز کافی است تا تمامی حقایق ذهن و جسمی او را به‌کار گرفته و برای شهود هیچ وقتی باقی نگذارده تا فرد به این مختصر کشفیات رضایت دهد.

باید به این نکته اهمیت داده و بر آن تأکید کرد که سهم چیزی است خارج از حوصله خرد که در هیچ رابطه و نسبتی با کشفیات عالم مجاز بسر نبرده و از آثار ارتباط مستقیم با حقیقت است. کشفیات محصول عقل طبیعی در اثر سیر در عالم مجاز است که از این منظر هیچ نسبت ماورائی با حقیقت ندارد، سیر در ماوراء تنها محدوده سیر در انفس نیست بلکه سیر

در آفاق نیز هست، از این رو سالک حقیقت فارغ از انفس باید به آفاق سفر کند، و این سفر جز برای رهرو طریقت و جز در صورت فراغت از مجاز میسور نخواهد بود. لیکن امید در حوزه حقیقت‌گرایی، خود؛ باری از تمایز را در تناسب با مجاز به‌دوش میکشد.

تردید؛ مقام اصلاح در امور است که خود در طرح شکایات شایسته ظهور است. بذر فراغت از ماهیت تردید در عالم امکان، بر این اصل از اصول طریقت و شریعت تأکید می‌کنم تا پیش از هر امر ذاتی دیگری و برخلاف رواج و رسم، محل اداره امور عالم در مذهب خلفای حدیثه، اسباب صلاحیت کافه را فراهم نموده به سلوک تردید از مجاز تا حقیقت نیز بپردازم. آنچه به باور من نزدیک‌تر است و در فهم عموم نیز خوشتر می‌نشیند، این است که اصل پرسش از انقیاد امر و انعقاد عقد است به این طریق که جمله امور می‌توانند پس از استقرار در عالم، محل تشکیک و سپس اصلاح باشند، چندان که امر غایب قبل از تردید اصلاح نبوده، ای‌بسا وجود نیز چندان که موجود نباشد محل تردید و تشکیک نیز نمی‌باشد.

صعوبت تحلیل در این باب از آنجا آغاز می‌شود که وجود در ماهیت غیرعدمی خود چندان که موجود باشد، ضرورت تشکیک و تردید را نیز خنثی نموده و بر نمی‌تابد، پس شایسته‌تر است مقام تردید و اصلاح پیش از اثبات ماهیت امر منعقد گردد.

لیکن آنچه به تقدیر بر صحت نزدیک‌تر است، احضار امور پس از اصلاح است، از این رو تحقق بشر فعال برای حضور در این عالم بیش از هر چیز دیگری ضروری می‌نماید. بر همین باور؛ آنچه پس از ایجاد امور انجام شود تنها مسامی تنقیه است و اصلاح، به امور، پیش از ایجاد متعلق است.

آنچه رفت گفتاری بیش نبود، گفتاری آلوده به خطابه و فلسفه، درخور

دیباچه

نکوهش و سزاوار نقد و پرسش. اما آنچه پیشرو است، بخشی از مجموعه مقالات و گفتارهایی از چالش‌های حقیقت و مجاز در فضای علم، دانش، فلسفه و هنر. بی‌تردید در این لحظه غلبه مجازیت کوچک‌ترین جوامع بشری و دورترین نقاط عالم را نیز شامل شده است، صاحبان تکنولوژی در این راه آخرین شگفتی‌ها را رونمایی کرده‌اند. اما شناخت حقیقت این جمله فنون و علوم، و آگاهی از عوارض آن برای بشر و جوامع بشری راهی است ناپیموده. معارف و آگاهی‌ها در مسیر تعالی انسان پایه‌پای این مرکب می‌زیانند. ورود و راه بر اندیشمندان این حوزه دشوار و طولانی. حرکتی در راستای تولید علم و دانش در انتشارات فراهنر آغاز شده است که نیازمند یاری و هم‌رسانی با ما اندیشمندان و خواننده محترم است. نقایص این مجموعه را بر ما ببخشید، تولیدات ما را دنبال کنید و با مطالعه و اظهار نظر ما را حمایت کنید. امید است که شایستگی حضور در کانون گرم مطالعه و تحقیقات شما را داشته باشیم.

دفتر مطالعات هنر و علوم انسانی

انتشارات فراهنر

تهران، فروردین ۹۹

فهرست مطالب

.....	دییاجه	۵
.....	فصل اول: اُتویا، ایدئولوژی و فلسفه	۱۹
.....	چکیده	۲۰
.....	۱.۱. مقدمه: پس از مطالعات منهایم و ریکور درباره‌ی اُتویا و ایدئولوژی	۲۱
.....	۱.۲. فضای توبولوژیک بازنمایی در فلسفه	۲۵
.....	۱.۳. سایر مثال‌های فلسفی	۳۴
.....	۱.۴. اُتویا، ایدئولوژی، فلسفه	۴۱
.....	خاتمه: اُتویا و سائنس‌شناسی فلسفه علم	۴۹
.....	فصل دوم: پدیدارشناسی و چالش واقعیت	۵۵
.....	چکیده	۵۷
.....	۲.۱. مقدمه	۵۸
.....	۲.۲. ادراک، حاضران و خنثی: مطالعه‌ی هوسرل	۶۲
.....	۲.۳. مسئله آگاهی از تصور	۶۸
.....	۲.۴. سارتر: ادراک و تخیل	۷۲
.....	۲.۵. چالش واقعیت	۸۱
.....	۲.۶. واقعیت‌های مجازی واقعی و غیرواقع	۸۸
.....	۲.۷. سخنان پایانی	۹۴
.....	فصل سوم: شخصیت، گسستگی و نهفتگی در فضای مجازی	۹۷
.....	چکیده	۹۹
.....	۳.۱. درک مجازی	۱۰۱
.....	۳.۱.۱. دیدگاه‌های مفهومی و سیستماتیک	۱۰۱
.....	۳.۱.۲. مقالات تاریخی و نظری	۱۰۲
.....	۳.۲. علایم روانی در هیستریا- مشاهده‌ی مشکلات حافظه و گسستگی	۱۰۳
.....	شخصیت با پیر ژنت	۱۱۲
.....	۳.۳. خاطرات متناوب و شخصیت‌های چندگانه (خود دیگر). برخی از نتیجه	۱۱۲
.....	گیری‌های داده‌های بالینی	۱۲۲
.....	۳.۴. رفتارهای اجتماعی خود دیگر بیرونی	۱۳۳

۱۳۷	۳.۵. نتیجه گیری
۱۴۱	فصل چهارم: واقعیت صوتی، محیط و حضور
۱۴۳	چکیده
۱۴۵	۴.۲. تبیین اصطلاحات
۱۴۵	۴.۲.۱. بازی کامپیوتری
۱۴۵	۴.۲.۲. صوت و شنیداری
۱۴۶	۴.۲.۳. جهان و محیط
۱۴۸	۴.۲.۴. غوطه وری و حضور
۱۵۱	۴.۳. واقعیت صوتی
۱۵۶	۴.۱. از واقعیت صوتی تا حضور در یک محیط
۱۵۷	۵. نتیجه گیری
۱۶۱	فصل پنجم: تخیل و واقعیت
۱۶۳	چکیده
۱۶۳	۵.۱. مقدمه
۱۶۵	۵.۲. واقعیت و تخیل
۱۶۹	۵.۳. پندار اولیه و پندار ثانویه
۱۷۳	۵.۴. احساس و تخیل
۱۷۹	۵.۵. مادیت و واقعیت
۱۸۵	فصل ششم: مجازی، پیش شرط و آثار هنری
۱۸۷	چکیده
۱۹۳	۶.۱. نازمان - واقعیت
۲۰۹	۶.۲. اساس رسانه سازی در واقعیت
۲۱۷	فصل هفتم: حقیقت سینما فراتر از مستند-تخیل
۲۱۸	چکیده
۲۳۱	فصل هشتم: ساخت دیجیتال و معانی عکس و فیلم
۲۳۳	چکیده
۲۳۳	۸.۱. مقدمه
۲۳۵	۸.۲. عکاسی و یک پیشنهاد برای تاریخ

فهرست مطالب

۲۴۰	۸.۳ عکاسی و معنا
۲۴۶	۸.۴ فیلم و معنا
۲۵۹	فصل نهم: واقعیت مجازی در تجربه‌گرایی متعالیه دلوز
۲۶۱	چکیده
۲۶۱	۹.۱ مقدمه
۲۶۵	۹.۲ وقتی مجازی واقعی است
۲۶۸	۹.۲.۱ تجربیات متعالی و احساس-تصویر
۲۷۴	۹.۲.۲ تجربه زیبایی‌شناختی فرانسویس بیکن بین زندگی و اندیشه
۲۷۸	۹.۳ نتیجه‌گیری
۲۸۳	فصل دهم: واقعیت مجازی و درمان مالیخولیا
۲۸۵	سراغار
۲۸۷	۱۰.۱ مقدمه
۲۸۹	۱۰.۲ واقعیت مجازی و درمان
۲۹۳	۱۰.۳ پروژه کریستوا
۳۰۸	۱۰.۴ پیامدهای عناصر روان‌شناختی و نیات
۳۱۱	۱۰.۵ نکات مربوط به بعد مجازی گرایی در درمانی
۳۱۶	۱۰.۶ سخنان پایانی
۳۳۱	فصل یازدهم: پایان مجازی؟
۳۳۳	چکیده
۳۳۳	۱۱.۱ مقدمه
۳۳۰	۱۱.۲ پایان مجازی
۳۳۰	۱۱.۲.۱ مجازی به واقعی حمله کرده است
۳۳۰	۱۱.۲.۲ مجازی به واقعی حمله کرده است
۳۳۰	۱۱.۳ مجازی هرگز پایان نیافت
۳۳۷	۱۱.۳.۱ تقلید
۳۳۰	۱۱.۳.۲ افسانه
۳۴۲	۱۱.۴ نتیجه‌گیری

فهرست مطالب

فصل دوازدهم: واقعیت فراتر از بازتولید ۳۴۵

چکیده ۳۴۷

۱۲.۱. مقدمه ۳۴۸

۱۲.۲. رد کردن خودبه‌خودی بودن: سراب ارسطویی ۳۴۹

۱۲.۳. غایت‌شناسی، هم‌جنسی، و نماد ۳۵۵

۱۲.۴. کارگر و خلاق ۳۶۱

۱۲.۵. زیرساخت، صوری‌سازی و کنترل ۳۶۹

۱۲.۶. دگرنوع‌سازی کلی ۳۷۵

۱۲.۷. برخلاف یک ماشین ۳۸۳

۱۲.۸. باروک دیجیتال ۳۹۳

REFERENCES: ۴۰۳

Chapter 1: ۴۰۳

Chapter 2: ۴۰۶

Chapter 3: ۴۱۰

Chapter 4: ۴۱۴

Chapter 5: ۴۱۸

Chapter 6: ۴۲۰

Chapter 7: ۴۲۱

Chapter 8: ۴۲۳

Chapter 9: ۴۲۶

Chapter 10: ۴۲۷

Chapter 11: ۴۳۰

Chapter 12: ۴۳۴